

تورم حقوق

ایجان مکای 1

2 علی برجیان

«قانون‌گذاری نکنید مگر با تردید و احتیاط، ... همیشه از بین دو راهل آن را انتخاب کنید که کمترین ارتباط را با حقوق دارد و بیشتر صبغه عرفی یا اخلاقی دارد»³.

چکیده

واژه تورم حقوق، مفهومی کلی به‌نظر می‌رسد که تمام گستره حقوق، از کثرت قانون‌گذاری گرفته تا سایر منابع هنجاری حقوق، را دربرمی‌گیرد و ناظر بر افزایش بی‌رویه و نامتناسب تعداد، حجم و اندازه قوانین است. فراوانی مقررات، همانند تورم پولی، خطر در معرض کارکرد معکوس یافتن، یعنی کاهش ارزش آن را به‌همراه دارد. آیا این پدیده یکی بیماری خوش‌خیم است یا از جمله علایم آسیب‌شناسی نظام‌های حقوقی دولتی؟ آیا پدیده‌ی منحصر به دوره ماست یا اینکه در زمان‌های قبل نیز وجود داشته است؟ آیا آثار آن تمام حقوق را تحت تأثیر قرار می‌دهد یا بخش‌های خاصی از آن را؟ چنانچه تورم حقوقی مسئله‌ای تا به این حد زیان‌بار است که نیاز به توجه ویژه دارد، شایسته است که منشأ و دلایل آن را شناخت و در صدد یافتن راه‌لهایی برآمد که از قبل برای آن ارائه شده است یا می‌توان ارائه داد. این مقاله تورم حقوق را در چهار کشور کانادا، فرانسه، انگلستان و امریکا با نگاهی اجمالی به وضعیت مشابه آن در ایران مورد مطالعه آماری قرار داده و با دیدی نسبتاً متأثر از مکتب تحلیل اقتصادی حقوق به ارزیابی ابعاد قضیه، از جمله نقد و بررسی دلایل، آثار و راهکارهای موجود، پرداخته است.

کلیدواژگان: اعتماد به حقوق، امنیت حقوقی و قضایی، پیروی از قوانین، تورم قانون‌گذاری، دسترسی به حقوق و دادرسی عادلانه.

دکترای تخصصی، استاد بازنشسته دانشکده حقوق و مدیر اسبق گروه‌های حقوق عمومی و مرکز تجارت بین‌الملل دانشگاه مونترال¹
ejan.mackaay@umontreal.ca

ali.borjian@umontreal.ca

² دانشجوی دکتری حقوق دانشگاه مونترال

³ ژان کرینیه، 1992، ص 48

Norm inflation

Mackaay, Ejan⁴

Ali Borjian⁵

Abstract

The term norm inflation appears to be a generalization, towards all sources of law, of legislative inflation, defined as a disproportionate increase in the volume and length of legislation. As with monetary inflation, the overabundance of laws risks causing their devaluation (Carbonnier). Is this a benign illness or the symptom of systemic pathology of the legal system? Is it specific to our time or has it been known before? Are the effects visible throughout the law or confined to particular areas of it? If norm inflation produces undesirable effects that deserve our attention, we should look at this scope, now and in the past, its foreseeable effects, its possible causes and remedies that might counter it. This article looks at the phenomenon of norm inflation, with reference mostly to Canada, France, the UK and the USA, and with a glance at the Iranian situation. The article demonstrates how economic analysis can be used to broach the matter.

Key words: Confidence in law - legal certainty - compliance - legislative inflation- access to law---

⁴ Emeritus Professor of law and ex-director of Public law center and CDACI at Université de Montreal

⁵ PhD. Candidate at Université de Montreal

مقدمه

«تورم حقوق» اصطلاحی دربرگیرنده تمام منابع حقوق است و طبق تعریف، عبارت است از افزایش بی‌رویه و نامتناسب هنجارها و منابع تشکیل‌دهنده حقوق و زیاد شدن تعداد و حجم قوانین و مقررات⁶. بنابراین، تورم حقوق علاوه بر کثرت قانون‌گذاری، دربرگیرنده ازدیاد مقررات آیین‌نامه‌ای، بخشنامه‌ها، دستورات اداری، رویه قضایی، قراردادهای و نظریات حقوقی (دکترین) نیز می‌شود؛ هرچند که بیشترین تکیه این نوشتار بر اساس مدارک در دسترس، بر تورم قانون‌گذاری قرار گرفته است. در ادبیات حقوقی اخیر زبان انگلیسی بیشتر از اصطلاحات legislative inflation⁷ معادل تورم قانون‌گذاری و regulatory inflation⁸ معادل تورم مقرراتی استفاده شده است.

ژان کربونیه با مطالعات گسترده‌ای که در این موضوع داشته، ضرورت توجه به آن را چنین توجیه کرده است: «فراوانی دستورها و مقررات همیشه در معرض این خطر است که اثر معکوس یافته و بر خلاف آنچه اراده شده است، موجب کم‌رزش شدن آنها شود. آیا شاهد آن نبوده‌ایم که علائم راهنمایی کنار جاده (که معادل قوانین در بحث حاضر است)، هنگامی که زیادتر از حد معمول می‌شوند، کمتر مورد توجه قرار می‌گیرند و کارایی و اهمیت خود را از دست می‌دهند. به دستورات و فرامین بیش‌ازحد، نه می‌توان دقت و توجه کافی کرد و نه تبعیت از آنها ممکن است»⁹. این معضل همواره در کانون توجه قراردادار؛ چنان‌که در یک نوشته جدید منتشرشده در فرانسه چنین ابراز شده است: «حقوق به نحوی سرسام‌آور در حال تولید است»¹⁰. بنابراین کربنیه، این پدیده دارای چنان اهمیت اجتماعی است که ما را بر آن می‌دارد تا جدی‌تر با آن مواجه شویم. آیا تورم حقوق یک معضل اجتماعی واقعی است یا فقط

⁶ «Inflation legislative», dans Wikipedia, en ligne : <https://en.wikipedia.org/wiki/Inflation_legislative> » (consulté le 8 février 2017).

⁷ Dace Šulmane, « "Legislative Inflation" - An analysis of the Phenomenon in Contemporary Legal Discourse », (2012) 4-2 Balt. J. Law Polit

⁸ <http://www.linguee.fr/francais-anglais/search?source=auto&query=inflation+normative>

⁹ Jean CARBONNIER, *Essais sur les lois*, Paris, Répertoire du Notariat Defrénois, 1995, p. 274

¹⁰ Serge SCHWEITZER et Loïc FLOURY, *Droit et économie, un essai d'histoire analytique*, Aix-en-Provence, Presses Universitaires d'Aix-Marseille, 2015, p. 62

یک شعار سیاسی گذرا؟¹¹ اگر مسئله‌ای واقعی و اجتماعی است، چگونه می‌توان ابعاد آن را مشخص کرد؟ آیا بحرانی زودگذر است یا نیازمند یک آسیب‌شناسی واقعی؟ به چه وسیله‌ای می‌توان با آن مبارزه کرد؟

نوشتار حاضر با نگاهی اجمالی به وضعیت تورم حقوق در کشورهای تأثیرگذار در حقوق دنیا و گذری بر حقوق ایران، در چهار قسمت به بررسی این پدیده می‌پردازد:

1. گستره و دامنه این مسئله، امروز، دیروز و در کشورهای مختلف؛

2. آثار و عوارض پیش‌بینی‌پذیر آن؛

3. دلایل احتمالی آن؛

4. بررسی راه‌ها؛

1. گستره تورم حقوق

برای مجسم‌کردن ابعاد این مسئله در مقاله پیش‌رو، خلاصه‌ای از وضعیت آمار افزایش قانون‌گذاری و برخی منابع هنجاری دیگر حقوق در سال‌های اخیر را در چهار کشور کانادا، فرانسه، انگلستان و ایالات متحده آمریکا همراه با نگاهی گذرا به وضعیت ایران بررسی خواهیم کرد. همچنان‌که بررسی این پدیده در بسیاری از کشورهای در حال توسعه دیگر، نظیر برزیل، هم قابل ملاحظه است، اما در این مقال نمی‌گنجد.¹²

¹¹ برخی نویسندگان تعابیر دیگری هم برای توصیف این مسئله به کار برده‌اند، مانند این موارد:

Étienne GRASS, « L'inflation législative a t-elle un sens? », Rev. Droit Public Sci. Polit. En Fr. Etranger 2003.1.139, p. 142: incontinence, prolifération, pathologie; Piotr Zwiersykowski, « L'inflation législative - quelques repères méthodologiques sur l'exemple de la législation polonaise », (2005) 57-3 Rev. Int. Droit Comparé 735, 742: surproduction, inondation, explosion.

José Eduardo FARIA, *A inflação legislativa e a crise do estado no Brasil*, 1994, en ligne : <http://www.pucrio.br/sobrepuc/depto/direito/revista/online/rev05_faria.html ; <http://www.fema.com.br/~direito/debora/antigos/sociologia/aula1910/inflacaolegislativaeacrisedoestado.doc> >; Leonardo D'Avila de Oliveria, *Inflação normativa - Excesso e exceção*, 2009

1.1. کانادا

در کانادا طبق مطالعات ما در زمینه رشد مجموعه قوانین سالیانه مالکیت معنوی بین سالهای 1995 تا 2016، می‌توان نتیجه را به شرح جدول زیر¹³ بیان کرد:

جدول 1. ارزیابی وضع مقررات در زمینه مالکیت فکری در کانادا بین سالهای 1995 تا 2016.

	1995	2016	میزان رشد
تعداد کامل	691	1200	74 %
تعداد قوانین	7	13	86 %
تعداد صفحات	427	735	72 %
تعداد آیین‌نامه‌ها	19	44	132 %
تعداد صفحات	258	458	78 %

چنان‌که از جدول بالا پیداست، وضع قوانین (قانون‌گذاری رسمی) و آیین‌نامه‌ها (قانون‌گذاری واگذار شده) در طول دوره بیست ساله گذشته تقریباً به دو برابر خود رسیده است؛ چه در تعداد مقررات مصوب و چه در تعداد صفحات دربردارنده آن.

1.2. فرانسه

در سال 2008، دو نویسنده فرانسوی، به نام‌های ساسیه و لانسو، مطالبی در مذمت تورم حقوق مطرح‌کردند که این‌گونه آغاز می‌شود: «ادعای جهل به قانون از هیچ‌کس پذیرفته نیست. به‌منظور رعایت چنین قاعدای هر فرانسوی باید با بیش از 10500 قانون، 120000 آیین‌نامه و بخشنامه‌های اداری، 7400 معاهده بین‌المللی، 17000 مقررات منطقه‌ای (اتحادیه اروپا) و ده‌ها هزار صفحه از 62 مجموعه قوانین (کد) مختلف آشنا باشد. برخی از این متون نیز مرتباً در حال اصلاح و تعدیل‌هستند؛ فقط در سال 2006 شش اصلاحیه در هر روز، فقط در مجموعه قوانین مالیاتی. به این ترتیب، فرانسه قهرمان قانون‌گذاری (دنیا) است»¹⁴.

Ejan MACKAAY et Ysolde GENDREAU, *Legislation canadienne en propriete intellectuelle = Canadian legislation on intellectual property* / [edited by] Ysolde Gendreau, Ejan Mackaay., Scarborough, Carswell, 1995.

.Dominique LANSOY et Philippe SASSIER, *Ubu loi: essai*, Paris, Fayard, 2008, Introduction¹⁴

براساس مشاهدات این نویسندگان، مجموعه قوانین منتشره از مجلس ملی فرانسه و سایر قوانین موجود در بازه زمانی 1970 تا 2005 دارای چنین رشدی بوده است:¹⁵.

سال	صفحه
1970	620
1990	بیش از 1000 صفحه
2000	1663
2004	2556
2005	بیش از 3500 صفحه

گراس در سال 2003 تحلیل موشکافانه‌ای از مسئله تورم قانون‌گذاری ارائه داد که در آن به مجرد روش اندازه‌گیری تورم قانونی برپایه شمارش تعداد قوانین یا صفحات آن، اشکال وارد می‌کند؛¹⁶ چراکه در قسمت مربوط به انتشار قوانین و آیین‌نامه‌ها در روزنامه رسمی، مطالبی غیر از قوانین نیز منتشر می‌شود، مثل گزارش وضعیت روزانه بانک مرکزی فرانسه، عملیات خزانهداری، آگهی‌های رسمی و غیره.¹⁷ حتی در میان قوانین به معنای خاص آن نیز می‌توان برخی قوانین را که به تأیید کنوانسیون‌های بین‌المللی می‌پردازند، از شمول شمارش واقعی قوانین استثنا کرد. «آمار واقعی که تورم قوانین را بیان می‌کنند، عبارت است از مصوبه‌هایی که وصف قانون‌گذاری دارند و هر ساله لازم‌الاجرا هستند»¹⁸. اما شمارش قوانین به این شکل هم پیچیدگی‌های دیگری دارد. او چنین نتیجه‌گرفته است که هرچند «تورم در تصویب آیین‌نامه‌ها انکارپذیر نیست، لیکن تورم قانون‌گذاری را باید اثبات کرد»¹⁹. نظر او مشابه دیدگاه ارائه‌شده وانویل (از متخصصین علوم سیاسی) در یکی از تحلیل‌های سیاسی خود است که استفاده از واژه تورم قانونی را بیشتر ناظر به یک بحث سیاسی و هنجاری (نه صرفاً توصیفی) و درباره نقش‌های گوناگون نهادهای دولتی در فرایند متورم کردن قانون‌گذاری

¹⁵ *Id.*, Edition Kindle, no. 126

¹⁶ *Id.*, p. 148

¹⁷ *Id.*

¹⁸ *Id.*, p. 149

¹⁹ *Id.*, p. 157; Rachel VANNEUVILLE, « Les enjeux politico-juridiques des discours sur l'inflation normative », 19

Parlem. Rev. Hist. Polit. 2009.11.80

میداند.²⁰ زیروسکی نیز بر همین مبنا «تعداد قابل ملاحظه‌ای از عوامل مؤثر بر نظریه تورم تقنینی در لهستان را» نشان می‌دهد.²¹

1.3. انگلستان

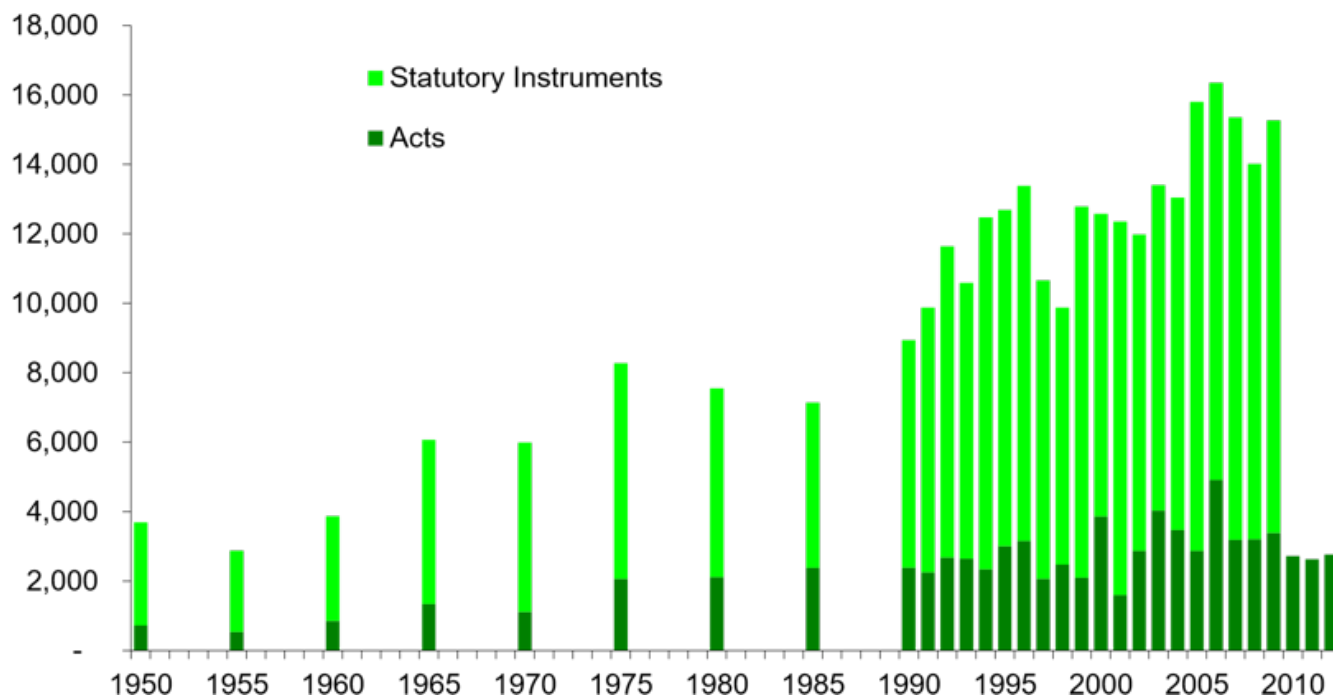
دولت انگلیس هر ساله آمار قوانین و آیین‌نامه‌های تصویب‌شده در این کشور را منتشر می‌کند.²² نتیجه این آمار بین سال‌های 1950 تا 2012 به شرح جدول زیر است:

.P. Zwiersykowski, préc., note 9 20

Richard CRACKNELL et Rob CLEMENTS, « Acts and Statutory Instruments: Volume of UK legislation 1950²¹ to 2014 », 2012, en ligne : <<http://researchbriefings.parliament.uk/ResearchBriefing/Summary/SN02911>> (consulté le 9 février 2017).

.Id., p. 6²²

جدول 2. افزایش قانون‌گذاری در انگلیس (خطوط تیره‌تر نمایاگر تعداد قوانین و خطوط کمرنگ‌تر معرف تعداد آیین‌نامه‌هاست).



مطابق این آمار، از یک ربع قرن پیش تاکنون تعداد صفحات قوانین تقریباً ثابت مانده، درحالی‌که حجم آیین‌نامه‌ها در همین مدت زمانی افزایش چشمگیری داشته است.²³

Milton FRIEDMAN et Rose D FRIEDMAN, *Free to choose: a personal statement*, New York, Harcourt Brace 23 Jovanovich, 1980, p. 197

1.4. ایالات متحده امریکا

مسئلهٔ افراط در تصویب قوانین در امریکا مسئله‌ای است که از دیرباز مورد توجه بوده است. میلتون و فرایدمن در کتاب خود در سال 1980 به رشد تعداد صفحات فدرال رجیستر (روزنامهٔ رسمی ایالات متحده امریکا) که در آن تمام قوانین، آیین‌نامه‌ها و سایر اسناد و مدارک رسمی دولت فدرال امریکا منشر می‌شود، اشاره کرده‌اند²⁴. همچنین اپستن در سال 1995 همین روند را از ابتدای نشر آن طبق نمودار پایین به تصویر کشیده است:

Richard ALLEN EPSTEIN, *Simple rules for a complex world*, Cambridge, MA, Harvard University Press, 1995,²⁴ en ligne : <<http://public.ebib.com/choice/publicfullrecord.aspx?p=3300197>> (consulté le 7 février 2017), p. 7.

جدول 3. رشد تقنینی در امریکا

سال	صفحات فدرال رجیستر	رشد درصدی نسبت به سال 1936	صفحات فدرال ریپورتس (رویه قضایی)	رشد درصدی نسبت به سال 1936	تولید خالص ملی میلیارد دلار در سال 1985	سرشد درصدی نسبت به سال 1936	جمعیت ملیون	رشد درصدی نسبت به سال 1936
1936	2411	%100	6138	%100	777.9	%100	128053	%100
1940	5370	%220	7161	%117	906	%116	132457	%103
1945	15508	%643	7161	%117	1602.6	%206	133434	%104
1950	9562	%397	8184	%133	1418.5	%182	152271	%119
1955	10196	%423	9590	%156	1768.3	%227	165931	%130
1960	12792	%531	10549	%172	1970.8	%253	180671	%141
1965	17206	%714	14332	%233	2470.5	%318	194303	%152
1970	20036	%831	22512	%367	2873.9	%369	205052	%160
1975	60221	%2498	25324	%413	3221.7	%414	215973	%169
1980	87012	%3609	32026	%522	3776.3	%485	227722	%178
1985	53480	%2218	49073	%799	4279.8	%550	238492	%186
1990	53618	%2224	45893	%748	5522.2	%710	249924	%195
1991	67716	%2809	49970	%813	5677.5	%730	252117	%197

جدول 4. تعداد قوانین مصوب در ادوار نه‌گانه مجلس شورای اسلامی به تفکیک تعداد لوایح و طرح‌های مصوب

دوره تقنینی	مجموع قوانین	لوايح تبديل شده به قانون	طرح‌های تبديل شده به قانون	درصد لوايح	درصد طرح‌ها
دوره اول	370	279	91	75.41	24.59
دوره دوم	316	258	58	81.65	18.34
دوره سوم	256	136	120	53.13	46.88
دوره چهارم	342	229	113	66.96	33.04
دوره پنجم	359	250	109	69.64	30.36
دوره ششم	396	308	88	77.78	22.22
دوره هفتم	333	234	99	70.27	29.73
دوره هشتم	349	233	116	66.76	33.52
دوره نهم	197	104	93	52.79	47.21

1.6. تورم حقوقی یک دغدغه تاریخی؟

اکنون جای طرح این پرسش است که آیا تورم حقوقی مسئله‌ای منحصر به زمان ماست؟ برپایه شواهد تاریخی زیر باید چنین نتیجه گرفت که خیر چنین نیست.

در کتاب تاریخی «تاریخچهٔ تسیوها» چنین ابراز شده است: «قوانینی پیشنهاد کردیم که نه تنها متضمن منافع جمعی نبود، بلکه بر عکس موجب ضرر به افراد هم بود و هیچ‌گاه قوانین زیاد وضع نمی‌شوند، مگر در زمان حکومت‌هایی که فاسدترند»²⁷.

مونتین در کتاب «انشائات» می‌نویسد: «از انتخاب صدهزار مورد خاص و وضع صدهزار قانون برای آن، چه چیز عاید قانون‌گذاران ما شده است؟ این تعداد هیچ تناسبی با تنوع بی‌حد و حصر رفتارهای انسان ندارد. کثرت ابداعات ما (در قانون‌گذاری) حتی به پای تعداد مثالها و موارد خاص هم نمی‌رسد... تعداد قوانین ما در فرانسه بیش از تمام کشورهای دیگر است، درحالی‌که لازم نبوده ما برای همهٔ کشورهای اپیکور²⁸ قانون وضع کنیم»²⁹.

دو قرن بعد مونتسکیو خاطر نشان کرده است: «همان‌طور که قوانین نامفید موجب تضعیف قوانین ضروری می‌شود، وضع قانون در غیر از موارد لازم هم موجب تضعیف قانون‌گذاری می‌شود»³⁰.

کربونیه در ضمن اینکه مسئله را منحصر به زمان حاضر نمی‌داند، بیشتر بر نقش ویژگی‌های شخصیتی افرادی که در فرایند قانون‌گذاری دخیل هستند، تمرکز می‌کند: «اما این مسئله شاید بیشتر به احوالات شخصی مرتبط باشد: یک متخصص جوان که نهال دانشی جدید یا فراتر از آن رویهٔ عملی حقوقی را می‌کارد، آرزو دارد که بتواند آن را به تعداد بی‌شماری از مسائل حقوقی آینده تعمیم دهد. همچنین حقوقدان درماندگی که پس از طی راه طولانی در جنگلی انبوه و پرپشت، خسته شده است و به دنبال روزنهٔ نور و فضایی باز برای خروج از آن می‌گردد. تصویری که از ارتباط موضوع (تورم حقوق) با زمان یا تأثیر سن حقوقدانان (که حقوقدانان جوان مستعد تولید بیشتر قوانین به دلیل کم‌تجربگی هستند) وجود دارد، باید

²⁷ Tacite - *Annales*, Livre III, Paris, Flammarion, 1965, en ligne : <<http://bcs.fltr.ucl.ac.be/TAC/AnnIII.html#27>> (consulté le 8 février 2017), p. 151.

²⁸ شاید مراد از آن تمام دنیا باشد.

²⁹ MONTAIGNE, *Essais Livre III*, Paris, Flammarion, 1588, en ligne : <<https://www.abebooks.fr/Essais-Livre-III-29.Montaigne-Flammarion/17128557097/bd>> (consulté le 7 février 2017) p. 276.

³⁰ Charles-Louis Montesquieu et Baron De De Secondat, *De l'esprit des lois*, 2, Paris, Flammarion, 1748, p. 305.

تعدیل‌شود: ما چنین می‌پنداریم که بعضی امپراتوران بیزانس حتی تا دم مرگ هم از اضافه‌کردن به قوانین دست برنداشته‌اند، درحالی‌که سالامون در سنین جوانی به هوشیاری و درک صحیحی از حقوق دست‌یافته‌بود³¹

2. آثار محتمل تورم حقوق

آثار احتمالی و پیش‌بینی‌پذیر زیاده‌روی در قانون‌گذاری چیست؟ نخستین نتیجه‌ ازدیاد قوانین و سایر منابع حقوق آن است که افراد آن جامعه باید زحمت بیشتری برای آگاهی از قواعد لازم‌الاجرائی که بر روابط آنها حاکم است، متحمل شوند، حتی درباره‌ قواعد خاصی که ممکن است به‌صورت مکرر برای یک شخص یا صنف معین پیش آید. افزایش مصوبات قانونی منجر به پیچیدتر شدن حقوق می‌شود و درنهایت در اثر تقابل یا تعارض درونی قواعد و هنجارها، انسجام نظام حقوقی را با مشکل مواجه‌خواهد ساخت³². این دو به تضعیف امنیت حقوقی که شرط اساسی کارکرد یک نظام حقوقی است، می‌انجامد³³.

شهروندانی که در شناخت حقوق خود با سردرگمی مواجه شوند، چاره‌ای جز مراجعه به حقوق‌دانان ندارند که خود منجر به بیشتر شدن هزینه‌های حقوقی می‌شود و دسترسی به دادرسی و عدالت را کمتر خواهد کرد. افراد جامعه برای به رسمیت شناخته شدن و حفاظت از حقوق خود باید مراحل و رویه‌های بیشتری را طی کنند. هرچه بیشتر شدن این مراحل، اثری سو و قهقرایی دارد که تأثیرش بر فقرا بیش از ثروتمندان است. این مسئله نیز به‌تبع، موجب بدگمانی افراد جامعه به حقوق و ارائه‌دهندگان خدمات حقوقی خواهد شد. شناخت ناقص و نابرابر مردم از حقوق خود در کنار افزایش حجم قوانین، احتمال اجرای نادرست یا مغرضانه قوانین را تقویت می‌کند که خود از جمله عوامل ناامنی حقوقی و قضایی محسوب می‌شود. دو عنصر ناامنی حقوقی و بی‌اعتمادی به حقوق ممکن است به سرپیچی از احکام قانون بینجامد، چه به شکل آشکار یا پنهان که در قالب اقتصادهای سیاه و خاکستری³⁴ بروز

Jean CARBONNIER, *Flexible droit: pour une sociologie du droit sans rigueur*, Paris, Librairie générale de droit³¹ et de jurisprudence, 1992

Guido CALABRESI, *A common law for the age of statutes*, Cambridge, Mass., Harvard University Press, 1982,³² en ligne : <<http://public.eblib.com/choice/publicfullrecord.aspx?p=3300124>> (consulté le 7 février 2017), p.3-7.

Nicolas MOLFESSIS et Henri DE CASTRIES, *Sécurité juridique et initiative économique*: mai 2015, Paris,³³ Mare & Martin, 2015.

³⁴ منظور اقتصادهای غیرقانونی و پنهان است که در آن معاملات بدون پرداخت مالیات و حقوق قانونی انجام می‌گیرند یا دال بر معاملات و عملیات تجاری مبهم و قابل سوءاستفاده است.

می‌کند.³⁵ قوای حاکمه که نمی‌تواند درمقابل این نافرمانی بی‌تفاوت بماند³⁶، احتمالاً برای جبران بی‌اثر بودن چنین قوانینی، متوسل به قانون‌گذاری مجدد خواهد شد. بدین‌سان یک قانون درصدد اصلاح قانون برآمده، که همین قانون هم ممکن است بی‌اثر واقع شود.

از جمله مصادیق شایع این پدیده می‌توان به «قانون‌گذاری پراکنده» اشاره کرد؛ یعنی «قانون‌گذاری موردی و متعدد، به ویژه اصلاحیه‌های مکرر به قوانین و الحاق مفاد جدید به قوانین پیشین، بدون دغدغه حفظ کلیت و سازگاری نظام حقوقی و دسترسی آسان مردم به قواعد حقوقی لازم‌الاجرا»³⁷. نتیجه مستقیم این پراکندگی، تورم در قوانین (تورم قانون‌گذاری) است که مانع وضوح و در دسترس بودن قوانین و همچنین سبب ابهام بیش از پیش و بیش از حد نظام حقوقی است و در نهایت منجر به تضعیف حاکمیت قانون می‌شود.³⁸ برای مثال از 197 عنوان قانون مصوب مجلس نهم در ایران، 133 عنوان آن مربوط به لوایح داخلی است که از آن تعداد، 79 مورد آن قوانین اصلاحی، الحاقی، تفسیری و تمدید بوداند و فقط 54 قانون داخلی به تصویب رسیداند.³⁹

از همین روست که رنه مونیوری رئیس سنای فرانسه از زمانی نه چندان نزدیک (در سال 1995) در بیان عواقب شوم این مطلب، انباشتگی متون قانونی را باعث کم‌رزش شدن قوانین و تنزل شأن قانون‌گذاری دانسته است.⁴⁰

آیا می‌توان حوزه‌هایی خاص از قانون یا حقوق را محیط یا محیط‌هایی مستعدتر برای رشد و ازدیاد بی‌رویه هنجارها و مقررات حقوقی دانست؟ بنابه نظر کربنیه، بیشترین مصادیق ظهور تورم قانون‌گذاری در حوزه‌های مالیاتی، حقوق کار و مسائل شهری و زیست‌محیطی است.⁴¹

Peter H. SCHUCK, « Legal Complexity: Some Causes, Consequences, and Cures », (1992) 42-1 *Duke Law J.* 35
1, p. 24; Ejan MACKAAY et Stéphane ROUSSEAU, *Analyse économique du droit*, Paris; [Montréal], Dalloz ; Éd.
.Thémis, 2008, no. 623 ss, p. 167 s

J. CARBONNIER, préc., note 33, p. 111s³⁶

37 احمد مرکز مالگیری و مهدی مهدی زاده، « قانون‌گذاری پراکنده در نظام تقنینی ایران »، (2015) 47-16 پژوهش حقوق عمومی
184-157، ص 158.

38 *Id.*، صص 159-157 و 161.

39 ا. مرکز مالگیری و س. حاتمی زاده، préc., note 28، ص 1.

Bertrand MATHIEU, *La loi*, 3e éd., Paris, Dalloz, 2010, p.75 40

J. CARBONNIER, préc., note 33, p.110 41

تحقیقات انجام شده در ایران نیز بیشترین مرکز ثقل تورم قانون‌گذاری را در قوانین مربوط به کار، پولی-بانکی، تأمین اجتماعی، سرمایه‌گذاری خارجی و قانون تجارت نشان می‌دهد.⁴² تحلیل یکی از شاغلین در حوزه صنایع (غیرحقوقدان) را که به صورت عملی با قوانین متکثر و بعضاً متناقض دست به گریبان است، با هم مرور می‌کنیم:

«به عنوان نمونه در خصوص مالیات، هم‌کنون 720 قانون در حال اجراست. کافی است تصور کنید که این حجم از قوانین تا چه میزان هم‌پوشانی خواهند داشت؛ یعنی برای یک موضوع چند قانون مختلف تولید کرده‌ایم، بنابراین می‌توان برای یک فعالیت، چند نوع متفاوت برخورد مالیاتی داشت و این جز ایجاد کانون‌های فساد و رانت در جامعه معنای دیگری ندارد. در این صورت محاسبه نمایید که فقط در این حوزه، کشور با چه فساد گستردگی روبروست و آنگاه باز فقط در همین حوزه مالیات، ملاحظه کنید که چه فرار مالیاتی گستردگی در کشور در جریان است. تنها کافی است حوزه معاملات زمین را در نظر بگیرید که با هدف فرار مالیاتی چها که نمی‌شود. نتیجه اینکه با داشتن 720 قانون مالیاتی یکی از مالیات‌گریزترین کشورهای جهان هستیم»⁴³.

ازدیگرسو، بالارفتن تعداد قوانین در دست تهیه باعث می‌شود که نمایندگان با زمان محدود و مشخصی که برای بررسی هر طرح یا لایحه دارند، به محتوای آنها توجه کمتری بکنند. در جبران این نقیصه، یا تمایل بیشتری به تصویب یک قانون به شکل کلی⁴⁴ در زمانی محدودتر پیدا می‌شود که مانع از بحث و بررسی مفصل روی تکتک مواد می‌شود یا پدیده تفویض قانون‌گذاری به سایر مراجع پیش می‌آید که طی آن، مقنن وظیفه تصویب قوانین را به نهادهای اداری در تصویب آیین‌نامه‌ها و مصوبات اجرایی واگذار می‌کند. در وضع قوانین، مفاهیم کلی و مبهم و کلیشه‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرد تا نمایندگان راحت‌تر بتوانند درباره آن به تفاهم برسند و تعیین مصداق مشخص و دقیق آنها به قضات یا عوامل اداری و اجرایی سپرده

⁴² کاظم جلالی، «متورم شدن قوانین باعث سردرگمی مراجع نظارتی می‌شود»، مرکز پژوهش‌های مجلس (29 septembre 1395), en ligne : <<http://rc.majlis.ir/fa/news/show/1002424>> (consulté le 22 décembre 2016).

⁴³ اسماعیل رئیسی، «تورم قانون»، ماهنامه صدای مردم ۹۵/۰۱/۱۶، <<https://sedayemardommag.blog.ir/>, 1395/01/16/> (consulté le 22 décembre 2016) <https://bit.ly/2TgrcLZ>

⁴⁴ Omnibus

می‌شود⁴⁵. در این صورت، ممکن است اصول و قواعد بنیادین قانون‌گذاری نادیده گرفته شوند. پیر مازو، رئیس سابق شورای قانون‌سازسی فرانسه، چنین می‌اندیشد: «قانون خوب باید در دو صفحه نوشته شود، اما بیشتر قوانین طولانی هستند و مایه تفسیر و شرح و بسط بیشتر می‌شوند و تحت تأثیر رسانه‌ها و برای جلب نظر آنان وضع می‌شوند»⁴⁶.

از جنبه دیگری هم برای دسترسی آسان‌تر به قوانین در حالت افزایش بی‌رویه آنها، نیاز به مراجعه به فناوری‌های اطلاعاتی پیدا می‌شود. برفرض که حقوق‌دانان با استفاده از این ابزار راحت‌تر بتوانند متون حقوقی مربوط به مسئله مورد نظر خود را بیابند، اما پیچیدگی روزافزون ماهیت حقوق هنوز پابرجاست. این پیچیدگی در فهم محتوایی حقوق، ناشی از افزایش مرتب متون حقوقی و قانونی است که در این صورت نمی‌توان از انسجام و ارتباط مسائل حقوقی با یکدیگر اطمینان پیدا کرد و احتمال تعارض درونی یک نظام حقوقی را بیشتر می‌سازد⁴⁷. پس باید به قوانین بالادستی روش نگارش صحیح قوانین توجه بیشتری داشت.

به بیان کلی، تورم حقوق هزینه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی برای افراد و نهادهای اجتماعی ایجاد می‌کند. از منظر اقتصادی چنین پیش‌بینی می‌شود: مادامی که قوانین بیشتری داشته باشیم، هزینه مبادله⁴⁸ برای اشخاص بیشتر می‌شود. در نتیجه مبادلات تجاری و به خصوص ابتکار و نوآوری را محدودتر می‌کند.

از دیگر آثار نامطلوب عرصه اقتصاد می‌توان از اثر قوانین مزاحم و دست‌وپاگیر در محیط کسب‌وکار یاد کرد که یکی از شاخص‌های مهم سنجش فضای کسب‌وکار در جهان است.

Ejan MACKAAY, « LES NOTIONS FLOUES EN DROIT OU L'ÉCONOMIE DE L'IMPRÉCISION », *Langages*⁴⁵ 1979.53.,33-50

D. LANSOY et P. SASSIER, préc., note 14, n. 183 of 3886 ⁴⁶

G. CALABRESI, préc., note 35, p. 3-7 ⁴⁷

⁴⁸ محسن رنانی، « بازار یا نابازار؟ کدام یک در زمینگیری اقتصاد ایران مقصودند»، ویژه‌نامه شرق 13-1389.12؛ «هزینه مبادله شامل تمام هزینه‌هایی است که برای تولید، حمل و نقل، مبادله و مصرف یک کالا لازم نیست، اما در عمل بر طرفین مبادلات تحمیل می‌شود؛ مانند هزینه‌های کسب اطلاعات (در باره کیفیت و محتوای کالا و طرف قرارداد)، هزینه‌های کسب اعتماد، هزینه‌های عقد و تضمین مفاد قراردادها، هزینه‌های حفاظت از حقوق مالکیت و نظایر اینها. همچنین هزینه‌هایی که به علت ناکارآمدی نظام اداری در اجرای دقیق قوانین یا عدم شفافیت قوانین یا عدم پایبندی مقامات به قوانین و مصوبات دولتی یا تغییرات مکرر قوانین و سیاست‌های دولتی، بر افراد و فعالان اقتصادی تحمیل می‌شود، هزینه مبادله تلقی می‌شود».

برای اطلاع از تأثیرات مخرب هزینه مبادله در اقتصاد ایران، ر.ک: بازار یا نابازار، محسن رنانی، بازار یا نابازار؟

تهران: مؤسسه عالی آموزش و ⁹éd., بررسی موانع نهادی کارایی نظام اقتصادی بازار در اقتصاد ایران، 3

پژوهش مدیریت، 1389

حقوق ایران از این منظر دارای قوانین دست‌وپاگیر است که جایگاه کنونی ایران در بهبود فضای کسب‌وکار را به مقام ۱۱۷ تنزل داده است.⁴⁹

از جمله هزینه‌های اجتماعی و سیاسی تورم و پراکندگی قوانین و مقررات بر شهروندان می‌توان به تحمیل هزینه‌های اداری برای فهم و استفاده بجا از قوانین، پیچیدگی‌تر کردن فرایند تصمیم‌گیری، شیوع نابرابری به‌خصوص در استفاده از خدمات عمومی و نقض امنیت حقوقی اشاره کرد. همچنین از جمله آثار آن بر مسئولان و مقامات حکومتی، از دو مورد زیر می‌توان یاد کرد: اول، هزینه‌های مدیریتی که در اثر تعلل و دیوانسالاری نامتعارف برای تصمیم‌گیری مقامات و کارمندان به دلیل ابهام مقررات ایجاد می‌شود⁵⁰؛ مثلاً سردرگمی مراجع نظارتی را، به‌ویژه در بالاترین سطح آن، یعنی کاهش کارایی نظارت مجلس بر دستگاه‌های اجرایی، می‌توان از این قسم دانست.⁵¹

دوم، هزینه‌های سیاسی که به دولت برای به کارگیری قوای قهریه در راستای به اطاعت واداشتن مردم تحمیل می‌شود، درحالی‌که چه بسا مخالفت با قانون تعمداً نبوده است، بلکه به بی‌اطلاعی از آن برمی‌گردد⁵² و استفاده صحیح از روش‌های قانون‌گذاری، مانع آن خواهد شد.

3. دلایل احتمالی پدیده تورم حقوق

ابتدا مروری بر دلایل کلی مسئله تورم حقوق خواهیم کرد و آنگاه به بررسی دلایل در ایران خواهیم پرداخت.

3.1. بررسی کلی دلایل

گاهی پدیده تورم حقوق را به دلایل بیرون از حقوق نسبت داد‌اند؛ دلایلی همچون رشد اقتصادی، پیچیدگی بیشتر روابط اجتماعی بین افراد یا توسعه سطح آموزش عمومی که به انسان‌ها اجازه می‌دهد بیشتر بفهمند و لذا به حقوق همدیگر بیشتر احترام بگذارند. با این حال،

49 محمدحسن سیدزاده، «تورم قوانین، مانع توسعه صنایع»، SMTnewspaper - روزنامه صمت (1395)، <<http://www.smtnews.ir/industry/22184-%D8%AA%D9%88%D8%B1%D9%85-%D9%82%D9%88%D8%A7%D9%86%DB%8C%D9%86%D8%8C-%D9%85%D8%A7%D9%86%D8%B9-%D8%AA%D9%88%D8%B3%D8%B9%D9%87-%D8%B5%D9%86%D8%A7%DB%8C%D8%B9.html>> (consulté le 22 décembre 2016).

⁵⁰ مرکز مالیری et مهدی زاده، p. 160, note 40, préc.

⁵¹ ک. جلالی، note 45, préc.

⁵² ا. مرکز مالیری et مهدی زاده، p. 160, note 40, préc.

نباید از نظر دور داشت که آمارهای امریکا چنان نشان می‌دهند که افزایش حجم مقررات فدرال رجیستر حتی از رشد جمعیت آنجا یا تولید خالص ملی هم پیشی گرفته است. طبق نظر شاک، عوامل پیش‌گفته نمی‌توانند دلیل مناسبی برای ازدیاد منابع حقوق باشند⁵³.

برعکس چنین می‌توان نتیجه گرفت که ارزش زندگی انسان هم به همان نسبت افزایش ثروت مردم بیشتر می‌شود و پیامد آن ایجاد حساسیت بیشتر در برابر خطرهای زندگی اجتماعی است که به بالاتر رفتن احتیاط افراد درمقابل عوامل تهدیدکننده جان یا سلامت آنان منجر خواهد شد. درهمین راستا می‌توان از تغییر جهت مسئولیت مدنی از جبران خسارت پس از حادثه به سمت برقراری رژیم پیش‌گیرانه ناظر به مراحل قبل از وقوع خسارت در قالب وضع قواعد سخت‌گیرانه رفتاری بازدارنده یا مجاز، یاد کرد. مثلاً در کانادا کاهش سرعت مجاز رانندگی درون‌شهری از 50 کیلومتر در ساعت به 40 یا حتی 30 کیلومتر، بنابر وضعیت منطقه موردنظر، از همین دست است. مقررات بازدارنده‌ای که به منظور جلوگیری از وقوع حوادث پیش‌بینی و وضع می‌شوند، باید طبق معیارهای دقیق و از قبل محاسبه‌شده باشد. تلاش برای تأمین این هدف می‌تواند دلیلی بر افزایش قانون‌گذاری و وضع مصوبات قانونی بیشتر باشد و در صورت نداشتن کارایی لازم، نیازمند تعدیل یا وضع قوانین دیگر خواهد شد. از زاویه دیدی دیگر، در جوامع مدرن چنین مشاهده می‌شود که میل روزافزونی به بازشدن جامعه و دادن آزادی‌های بیشتر به‌وجود آمده است؛ به‌نحوی که تا حد امکان بتوان همزیستی مسالمت‌آمیز افراد با عقاید و مذاهب مختلف را تأمین کرد. این تنوع عقاید ممکن است در اثر عواملی همچون مهاجرت و جابجایی‌های برون‌مرزی شکل گرفته باشد، یا دسترسی راحت به اینترنت که افراد را با روش‌های زندگی در خارج از محدوده زندگی خود آشنا و چشم آنها را به نقطه‌نظرات جدید و متفاوتی باز می‌کند. چه‌بسا ایجاد چنین همزیستی مسالمت‌آمیزی فقط با مراجعه به رسوم و قواعد اجتماعی گروه‌های تشکیل‌دهنده یک جامعه تأمین نشود و نیازمند وضع قوانینی باشد که تمام جزئیات و حدود و ثغور این آزادی‌ها را به دقت تصریح نماید⁵⁴.

در جوامع باز و آزاد، افرادی که منافع مشترکی دارند، از این حق برخوردارند که با یکدیگر تشکیل لابی⁵⁵ دهند و از این طریق مجلس را برای تصویب سیاستها و قوانینی که دربردارنده منافع آنان است، تحت فشار قرار دهند. به‌عنوان نمونه، می‌توان به رژیم مدیریت عرضه محصولات کشاورزی در کانادا و سایر کشورها اشاره کرد یا تمديد حق مؤلف در امریکا به

P. H. SCHUCK, préc., note 38, p. 25⁵³

.G. CALABRESI, préc., note 35, p. 1⁵⁴

.interest group⁵⁵

هفتاد سال پس از مرگ نویسنده، درست نزدیک به انقضای مدت سابق پنجاه ساله حق کپی رایت میکی موس⁵⁶، لابی‌گری روشنی است برای کسب امتیازات بیشتر از طریق اهرم سیاسی که عامه مردم در حالت عادی و در فضای اقتصاد آزاد به آن دسترسی ندارند. این پدیده در علم اقتصاد به نام کسب رانت یا ویژمخواری⁵⁷ شناخته می‌شود⁵⁸. نتیجه تحقیقات اوسلون به خوبی نشان می‌دهد که استفاده از رانت در مقیاس کلان تا چه حد می‌تواند به از بین رفتن ابتکار و سرخوردگی نیروهای مبتکر یک جامعه منتهی شود⁵⁹. شاهد این نظریه بروز نوآوری‌ها و ابتکارات چشمگیر در آن دسته از کشورهای اروپایی است که پس از جنگ جهانی دوم و اشغال کشورشان ساختار معمول رانت‌خوارانه سابق بهم خورد و ساختار عادلانه‌تری حاکم شد.

دلیل تورم حقوق، هرکدام از عوامل یادشده که باشد، یک گروه هست که در هر صورت و همیشه از این وضعیت منتفع می‌شود: حقوق‌دانان. پارلمان‌ها که معمولاً تعداد قابل‌توجهی حقوق‌دان در آنجا مشغول به کارند، به این رویه علاقه دارند. چون به سیاستمداران این امکان را می‌دهد که مزایای منحصر به فردی را به نفع خود یا اشخاص محدود و معینی در قالب احترام به آرای عمومی تصویب کنند. نظام اداری نیز که موظف به اجرای مصوبات سیاستمداران است، از این پدیده تعدد و پیچیدگی قوانین استقبال می‌کند؛ زیرا این آشفتگی، نظارت بر کار آنان را سخت‌تر می‌کند و در عمل استقلال و آزادی بیشتری به آنان می‌بخشد. وکلا هم به نوبه خود این پدیده را از آن رو که درخواست مراجعین آنها را بیشتر می‌کند، دوست دارند و قضات نیز بدان سبب که موجب افزایش اقتدار عملی آنان است. در نهایت، دانشگاهیان هم نگاه مثبتی به این مسئله دارند؛ از آن رو که باعث رونق فعالیت آنان در زمینه‌ارائه طبقه‌بندی‌های جدید در ساختار حقوق، تفاسیر نو، توجیه و دفاع از قوانین یا حتی انتقاد از آن و طرح مباحث راجع به اصلاحات حقوقی خواهد شد.

حقوق‌دانان در تمام این طبقات دولتی یا حرفه‌ای حضور دارند. مجامع آنان به خوبی قادرند که لابی‌های مؤثری تشکیل دهند که مستقیماً یا از طریق مواردی چون توصیه به افزایش

Sonny Bono Copyright Term Extension Act of 1998 (US), S 505, P.L. 105-298, 11 Stat. 2827, <http://www.copyright.gov/legislation/s505.pdf>

rent seeking⁵⁷

Anne O. KRUEGER, « The political economy of the rent-seeking society », (1974) 64-3 *Am. Econ. Rev.* 58 .291-303; *Id.*; E. Mackaay et S. Rousseau, préc., note 38, n. 606, p. 162

Mancur OLSON, *The Rise and Decline of Nations: Economic Growth, Stagflation, and Social Rigidities*, Yale University Press, 1982

قانون‌گذاری، بر ایجاد تورم حقوق تأثیر بگذارند و با قرارگرفتن در مسیر دسترسی افراد به حقوقشان و واسطه بودن در روند دادرسی، منافع خود را تأمین کنند.

3.2. بررسی علل مشکل در حقوق فعلی ایران

اصلاحات مکرر قوانین و استفساریه‌ها در ایران یکی از عمده دلایل تورم قانون‌گذاری است که نشان‌دهنده نداشتن دقت کافی در زمان وضع قوانین است؛ تاجایی‌که حتی در برخی موارد، فاصله تصویب قانون تا اصلاح آن به چند ماه هم نمی‌رسد. این مسئله می‌تواند از آنجا ناشی شود که:

«نظام تقنین ما بطور جدی به‌نبال تصویب قوانین جزئی و موردی است تا قانون جامع و البته این جزئی‌نگری باعث می‌شود تا قانون در بخشی اصلاح شود و البته بعضاً این اصلاح در بخش دیگری، خود ایجاد مشکل کند. فقدان هماهنگی بین این اصلاحات و ایجاد مشکلات اجرایی تبعات این نوع نگاه به موضوع تقنین است. ضمن اینکه معمولاً این اصلاحات جزئی بدون هماهنگی قبلی با دستگاه‌های اجرایی صورت می‌گیرد؛ یعنی چه‌بسا این اصلاح مشکل یک دستگاه را مرتفع، ولی برای دستگاه دیگر ایجاد اشکال نماید»⁶⁰.

به بیان دیگر، اولین و آشکارترین ریشه مشکل را از قوه قانونگذاری دانسته‌اند که بدون ارزیابی دقیق و کارشناسانه و بدون توجه به پیامدهای وضع قانون و نیز زمان مناسب برای اصلاح یک قانون، قانون‌گذاری می‌کند. نهاد قانون‌گذاری در ایران، به مثابه ضرب‌المثل قدیمی و نه چندان درست «هر چه بیشتر، بهتر»، تکثر قوانین را امری مثبت و بلکه از وظایف خود می‌داند. نظام حقوقی فربه‌ی که به تولید قوانین متعدد، مشابه و همپوشان و گاهی حتی متعارض اقدام می‌کند و تفسیر و اجرای قوانین را مشکل می‌سازد⁶¹. دامنه مشکل تا به جایی پیش رفته است که حتی بنابر نظر برخی نویسندگان، می‌توان نظام حقوقی ایران را «فاقد تدوین و تنقیح» دانست⁶². به عنوان شاهد این مدعا می‌توان به بی‌توجهی به اصول درست قانون‌گذاری و برخی کوتاهی‌های قانون‌گذار در مشخص کردن وضعیت قوانین پس از اصلاح

⁶⁰ س. ب. پورسید 26, note, préc., ..

⁶¹ ا. مرکز مالگیری et م. مهدی زاده 40, note, préc., p. 163.

⁶² .id., p. 182.

یا نسخ و الغای آنها اشاره کرد؛ از جمله: اصلاح مفاد برخی قوانین در قوانین نامرتبب دیگر⁶³ یا نسخ و الغای یک قانون در قوانین نامرتبب⁶⁴ نسخ ضمنی قوانین به طور کلی و مبهم و بدون ارجاع دقیق به آنکه بار تکلیف را به دوش مجریان یا مکلفان مقررات می‌اندازد⁶⁵. یکی دیگر از دلایل «ناکارآمدی ساختار مجلس⁶⁶» این است که فرایند بهینه تولید قانون توسط تبدیل لوایح پیشنهادی دولت به مجلس باید انجام گیرد، تا طرح‌های خود نمایندگان.

«معمولاً لوایح، نتیجه ساعت‌ها فعالیت کارشناسان دولت است که توسط ده‌ها یا صدها متخصص طی زمانی نسبتاً طولانی تهیه می‌شود (و البته همواره با اشکالات بسیاری نیز روبروست) اما نکته اینجاست که همین کارشناسی نیم‌بند، توسط 290 نماینده محترم مجلس مورد قضاوت قرار می‌گیرد. نمایندگان که در بهترین شرایط تعداد نخبگان آنان در حوزه مورد بحث به تعداد انگشتان یک دست نیز نمی‌رسد. حال چنانچه این تعداد انگشت‌شمار بخواهند کار تیمی ده‌ها یا صدها نفری کارشناسان دولت را اصلاح کنند، نتیجه چه خواهد شد؟ اضافه کنید اینکه در غالب موارد بقیه نمایندگان که در حوزه مورد بحث تخصصی ندارند، بدون مطالعه وارد جلسه می‌شوند و در همان زمان مذاکره و رأی‌گیری است که اصولاً از دستور کار اطلاع می‌یابند؟ بنابراین در شرایطی که نه تنها تخصصی در بحث ندارند، بلکه فرصتی نیز برای مطالعه قبلی در خصوص لایحه مورد نظر نداشته‌اند، در این صورت تنها راهی که می‌ماند، الگوبرداری است. نمایندگان عموماً در حوزه‌ای که تخصص آنان نیست، به دلایل متعددی که در ادامه گفته خواهد شد، با نگاه به سایر همکاران (نمایندگان) که در موضوع مورد بحث احتمالاً تجربه یا تخصصی دارند) رأی می‌دهند. بنابراین در عمل، هیچ‌گاه عموم نمایندگان مشارکت واقعی در قانون‌گذاری ندارند. از سوی دیگر، تراکم کار مجلس اجازه بحث مبسوط را نمی‌دهد؛ وقتی که همواره ده‌ها یا صدها لایحه و طرح در نوبت بررسی قرار دارند، مجلس همواره خود را در تنگنای زمانی احساس می‌کند. در چنین شرایطی آنچه نتیجه‌گیری می‌شود، این است که قانون

Id., p. 165⁶³

Id., p. 170⁶⁴

Id., p. 171⁶⁵

66. ا. رئیس‌ی 46.préc. ..

مصوب مجلس از نظر توان حل مشکلات کشور نه تنها از لوایح دولت قوی‌تر نیست، بلکه ضعیف‌تر نیز هست... مشکل، ناکارآمدی است و نه کمبود قوانین. مسئله عدم نظارت است»⁶⁷.

بنابراین، علاوه بر انتقاد از ساختار مجلس، کمکاری قوه مجریه در تهیه و پیشنهاد لوایح مورد نیاز واقعی جامعه را نیز باید در نظر گرفت. در ایران، چنان‌که پیشتر اشاره رفت، نقش کم‌رنگ دولت در ارائه لوایح قانون‌ساز به خوبی مشهود است. آمار این‌گونه نشان می‌دهند که در دوره هشتم مجلس، تمایل نمایندگان به قانون‌گذاری بیش از هر زمان دیگری به چشم می‌خورد و از تعداد 697 پیشنهاد تقنینی، 480 طرح (68.8%) و فقط 217 لایحه (31.3%) در آن، از سوی دولت ارائه شده است که البته از این تعداد 197 قانون به تصویب رسیده و سهم لوایح از آن 104 (52.79%) و طرح‌ها 93 مورد (47.21%) بوده است⁶⁸.

شایان ذکر است که فقط تمایل نمایندگان برای تبدیل طرح‌هایشان به قانون بیشتر شده، بلکه در زمینه لوایح پیشنهادی هم بخش قابل‌توجهی از لوایح ارائه‌شده توسط دولت مربوط به تصویب اسناد و معاهدات بین‌المللی بوده است (طبق اصول هفتاد و هشتم و یکصد و بیست و پنجم قانون اساسی) و کاهش محسوس سهم لوایح داخلی به چشم می‌خورد؛ به عنوان مثال، میانگین لوایح داخلی و مدیریتی کشور در کل دوره مجلس هشتم حدود 36% بوده و در سال پایانی آن، حتی به کمتر از 14% رسیده است. فقدان این تعامل بین قوای مجریه و قوه قانون‌گذاری ممکن است آثار ناخوشایندی را به نظام حقوقی و سیاسی کشور تحمیل کند⁶⁹.

طبق جدول زیر، لوایح مربوط به اسناد بین‌المللی در مجالس ششم و هفتم و هشتم بیش از 40% مصوبات مجلس را به خود اختصاص دادند که این مسئله در مجلس نهم اندکی کمتر و حدود 32% است⁷⁰. تازه از میان لوایح و طرح‌های داخلی نیز مطابق گزارش اخیر رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس، «بیشترین قوانین ادوار قبل از نوع اصلاحیه قوانین قبلی یا استفساریه بوده است» که اگر به صورت صحیح و شفاف بیان و دسته‌بندی نشوند، خود

.Id 67

⁶⁸. مرکز مالیری et س. حاتمی زاده، 3-1 p. note 28, préc.

⁶⁹. مرکز مالیری et م. پارسا 22-20 p. note 28, préc.

⁷⁰. Id 1. ; مرکز مالیری, et p. 11 س. حاتمی زاده, 3. p. note 28, préc.

معضلی تازه و سبب سردرگمی بیش از پیش افراد برای اطلاع از قانون و عمل به آن خواهد شد.⁷¹

⁷¹ ک. جلالی 45 note. préc. .

جدول 5. نسبت میان لوایح حاوی اسناد بین‌المللی و قوانین مصوب مجلس از دوره ششم تا انتهای مجلس نهم (1379 - 1395).

درصد اسناد بین‌المللی	تعداد اسناد بین‌المللی مصوب	تعداد کل قوانین مصوب	دوره قانون‌گذاری
45 %	178	396	ششم
44 %	147	333	هفتم
42 %	149	349	هشتم
32 %	64	197	نهم

4. راه‌حل‌های ارائه‌شده

نخستین راه‌حل‌های پیشنهاد شده در برابر تجمع قوانین و هنجارها، استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی برای مسلط شدن بر انبوه مصوبات حقوقی است. این مسئله همچنان با صبغه سیاسی و مبتنی بر انجام اصلاحات حقوقی (در مقایسه و الهام‌گیرنده از آنچه که در کشورهای دیگر انجام می‌پذیرد) و کاهش تولید قوانین و سایر منابع حقوقی مرتبط است. این ابزار چه در مرحله نمایش مصوبات (به نحوی که تمام متون مصوب در یک جا و یک صفحه نمایشگر و با راه‌های نسبتاً یکسانی در دسترس باشند)، چه در مرحله به‌کارگیری، تسلط بر قوانین را آسان‌تر می‌سازند. جوامع مدرن در گذر زمان و در اثر استفاده فراوان، با چنین ابزار کمکی مأنوس شده و آن را توسعه داده‌اند که خود به تسلط بیشتر بر محتوای مطالب حقوقی نسبت به روش‌های سنتی چاپی و کاغذی و مجموعه‌های قطور قوانین انجامیده است.

استفاده از چنین فناوری‌های اطلاعاتی، عواقب نامطلوبی نیز با خود به‌نبال دارد که نباید از آن غفلت ورزید. یکی از این خطرها، تمرکز بیش از حد بر جنبه تکنیکی قواعد و هنجارهاست. بدین شکل که فهم ما از حقوق را به یک زبان منطقی الزام‌آور محدود می‌کند و موجب نادیده‌گرفتن کارکردهای اجتماعی متوقع از حقوق می‌شود.

اگر بپذیریم که استفاده از ابزارهای تکنیکی تا حدی بر تسلط شکلی ما از قوانین و مقررات تأثیر خواهد گذاشت، نوبت به پیدا کردن راه‌های تسلط بر محتوای حقوق متورم می‌رسد. چنان‌که پیش از این اشاراتی به تصویب قوانین به شکل کلی و نیز استفاده از مفاهیم قانونی منعطف و استاندارد کردیم، می‌توان گفت که با استفاده از این راه می‌توان وظیفه تعیین و

تحدید محتوای چنین مصوباتی را به مراجع اداری (در موارد قانون‌گذاری تفویضی)، محاکم یا سایر مراجع دولتی و رسمی سپرد.

راحتل پذیرفته شده در اغلب پارلمان‌های دنیا در اولویت دادن به تصویب قوانین لایحه‌محور است تا طرح‌های نمایندگان مجلس⁷². این راحتل در برخی از پارلمان‌های دنیا نیز معمول است؛ چنان‌که برای مثال در لهستان حدود 52٪، در اسلونی حدود 95٪ و در آلمان حدود 80٪ قوانین لایحه‌بنیان بوده و سایر کشورهای اروپایی کمابیش روند مشابهی را اتخاذ کرده‌اند یا در حال پیروی از آن هستند⁷³. در هفت دوره نخستین مجالس شورای اسلامی، بیش از 70٪ قوانین مصوب توسط لوایح بوده است و کمتر از 30٪ توسط طرح‌های نمایندگان، درحالی‌که چنانچه پیشتر دیدیم، در مجلس هشتم تمایل نمایندگان به ارائه طرح‌ها فزونی یافته و حدود نیمی از قوانین مصوب بر این اساس بوده است⁷⁴.

دلیل تقدم لایحه بر طرح چنین توجیه می‌شود:

«معمولاً قاعده این است که در صورت بروز اختلال، ضعف یا عدم تعیین تکلیف در یک حوزه، دستگاه‌های اجرایی که عملاً خط مقدم برخورد با مشکلات و نارسایی‌های مربوطه می‌باشند، مسئله را به سطوح بالا انعکاس می‌دهند. انتقال پلکانی این مشکلات از قاعده هرم به رأس، باعث می‌شود دولت نسبت به موضوع عکس‌العمل نشان دهد و این عکس‌العمل در قالب لایحه به مجلس تقدیم می‌شود. البته هیچکس نمی‌تواند ادعا کند که لوایح خالی از اشکال‌اند، ولی موضوع این است که معمولاً لوایح، نتیجه ساعت‌ها فعالیت کارشناسان دولت است که توسط ده‌ها یا صدها متخصص طی زمانی نسبتاً طولانی تهیه می‌شود»⁷⁵.

همچنین می‌توان به دو راحتل تکمیلی ساده‌تر کردن زبان حقوق و مقررات‌زدایی نیز فکر کرد. جنبش ساده‌سازی زبان⁷⁶ با چشم‌انداز آسان‌تر کردن وظیفه شهروندان در فهم متون قانونی و قراردادهایی که مکلف به اجرای آن هستند، شکل‌گرفت⁷⁷. در سال 2010 قانونی فدرال در امریکا به نام «نگارش ساده قوانین»⁷⁸ به تصویب رسید که طبق آن نیروهای اداری فدرال را

⁷². مرکز مالیری et م. پارسا, 2, p. note 28, préc.

⁷³ *Id.*, p. 12-15

⁷⁴ *Id.*, p 6 & 17-20

⁷⁵. رئیس‌ی 46, note préc. ..

⁷⁶ plain language

Carl FELSENFELD, « The Plain English Movement in the United States », (1981) 6 *Can. Bus. Law J.* 408; ⁷⁷

.Martin FINGERHUT, « The Plain English Movement in Canada », (1981) 6 *Can. Bus. Law J.* 446-452

⁷⁸. Plain Writing Act

به انشای ساده قوانین یا حتی بازنویسی آنها به زبانی قابلفهم برای عموم ملزم می‌کند⁷⁹. اتحادیه اروپا هم در سال 2009 در بیانیه‌ی راهکارهای ساده‌نویسی و قواعد و مقررات را منتشر کرده است⁸⁰. باوجود این، ایراداتی هم در این زمینه وجود دارد که آسان‌سازی ظاهر قوانین نمی‌تواند از پیچیدگی‌های نهفته در محتوای آنها پیشگیری کند⁸¹. بنابراین نقش ساده کردن ادبیات حقوقی بر کاستن از تورم حقوق، جای تأمل دارد.

همچنین در سال‌های 1980 حرکت دیگری در راستای مقررات‌زدایی⁸² فعالیت‌های اقتصادی شکل گرفت. هرچند که این جنبش را به نخست‌وزیر وقت انگلستان، خانم تاچر، و رئیس‌جمهور امریکا، ریگان، منسوب می‌کنند، اما دامنه تأثیر آن به سایر کشورها نیز گسترده شد. هدف از مقررات‌زدایی، حذف یا لااقل کاهش قواعد و مقررات از مجرای کاستن از قانون‌گذاری و سایر راه‌های تولید مقررات است. این حرکت با وجود موفقیت ابتدایی چشمگیری که داشت، چندان دوام نیاورده است و طبق گواهی آمار، تورم حقوق به روال سابق خود جریان دارد.

در نهایت، می‌توان به روش‌های مستقیم‌تری اشاره کرد؛ نظیر کنترل توسط قانون اساسی که تولید قانون‌گذاری را محدود می‌کند. به این بیان که درازای هر قانون جدید، باید یک یا چند قانون سابق را نسخ کرد. این کار شبیه بودجه تعادلی است که پژوهشی تازه، اثر بازدارنده واقعی آن را تأیید می‌کند⁸³. در خصوص قانون‌گذاری فرمول چنین است: «یک قانون (محذوف) درازای یک قانون (جدید)⁸⁴ یا حتی دو قانون (محذوف) در برابر یک قانون (جدید)⁸⁵. با نگاهی اجمالی به آنچه در برخی مطبوعات منتشر شده است، می‌توان فهمید که این روش پذیرفته شده در آلمان، کانادا، فرانسه و انگلیس ممکن است آثاری واقعی و راهگشا

⁷⁹ US Pub.L. 111-274; voir https://en.wikipedia.org/wiki/Plain_language

⁸⁰ *L'information pour tous - Règles européennes pour une information facile à lire et à comprendre*, Union Européenne, 2009, en ligne : <http://easy-to-read.eu/wpcontent/uploads/2014/12/FR_Information_for_all.pdf>.

⁸¹ Joshua D. BLANK et Leigh OSOFSKY, *Simplexity: Plain Language and the Tax Law*, SSRN Scholarly Paper, ID 2759486, Rochester, NY, Social Science Research Network, 2016, en ligne : <<https://papers.ssrn.com/abstract=2759486>> (consulté le 7 février 2017).

⁸² Deregulation.

⁸³ Zareh ASATRYAN, César CASTELLON et Thomas STRATMANN, *Balanced Budget Rules and Fiscal Outcomes: Evidence from Historical Constitutions*, SSRN Scholarly Paper, ID 2777148, Rochester, NY, Social Science Research Network, 2016, en ligne : <<https://papers.ssrn.com/abstract=2777148>> (consulté le 7 février 2017).

⁸⁴ One for one.

⁸⁵ Two for one.

داشته باشد⁸⁶. حکومت کانادا در گزارش سالهای 2014-2015 خود از اجرای قاعده (یک به جای یک) در خصوص آیین‌نامه‌ها ارزیابی مثبتی ارائه کرده است⁸⁷. به نظر می‌رسد که در ایران نیز دولت تلاش‌هایی را در زمینه مقررات‌زدایی آغاز نموده است؛ چنانچه دولت یازدهم نیز با ابلاغ دستوری، برخی دستگاه‌ها را موظف به بررسی قوانین و تعدیل و اصلاح آنها کرده است.

«به گفته رئیس کمیسیون صنایع اتاق بازرگانی ایران، وزارت جهاد کشاورزی نخستین دستگاهی است که با بررسی ۳۵۰ قانون و حذف و ادغام آنها تعداد این قوانین را به ۹۰ قانون کاهش داده است. بررسی تعداد قوانین حذف یا ادغام شده حاکی از تورم بیش از حد قوانین در دستگاه‌های اجرایی است. وزارت صنعت، معدن و تجارت، به‌عنوان دومین وزارتخانه پیش‌قدم در این موضوع، از سال گذشته با تشکیل شورای مقررات‌زدایی از سوی وزارت امور اقتصادی و دارایی اصلاح آیین‌نامه‌ها و روند صدور مجوزها را در دستور کار قرار داد و در راستای بهبود فضای کسب‌وکار اقدام به ادغام و حذف مجوزها در بخش‌های مختلف کرد. اما اکنون پس از یک سال نظرسنجی از بخش‌های دولتی و خصوصی و تشکیل جلسات متعدد اقدام به تدوین و ارسال لایحه اصلاح قوانین مزاحم به مجلس کرده است»⁸⁸.

اما از منظر کلی‌تر، رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس در باب مقابله با تورم و پراکندگی قوانین در ایران به راه‌حلهایی مانند چابک‌سازی و یافتن معیارهای صحیح قانون‌گذاری، استفاده از همکاری جمعی متخصصین حوزه‌های مختلف در تدوین قوانین، اجتناب از به‌کارگیری مدل آزمون و خطا در فرایند قانون‌گذاری و نگاه دوراندیشانه به آثار عینی تصویب یک قانون در سطح جامعه اشاره کرده است. راه‌حل‌های مؤثری که از هم‌کنون باید به آن اندیشید و آن را اجرا کرد، تا در آینده بتوان از نتیجه آن برخوردار شد⁸⁹.

«وی در ادامه، در تشریح چابک‌سازی فرایند قانون‌گذاری، شاخص‌گذاری را یکی از لوازم این بخش خواند و یادآور شد: شاخص‌گذاری نظام قانون‌گذاری مطلوب همانند یک شاقول، از پراکندگی، روزمرگی و انحراف پژوهش‌های تقنینی پیشگیری می‌کند و مسیر درست را به محقق نشان می‌دهد. پس یکی از عناصر مهم توانمندسازی پژوهش‌های تقنینی، هم‌اندیشی

Annetta HOLL, « La règle du « un pour un » peut-elle freiner l'activité normative ? | La vie économique » (24 2015), en ligne : <<http://dievolkswirtschaft.ch/fr/2015/09/2015-10-holl-franz/>> (consulté le 7 février 2017).

⁸⁷ « Canada 2015, sous Règle du « un pour un ».

⁸⁸ م. سیدزاده 52 note..préc.,

⁸⁹ ک. جلالی 45 note..préc.,

صاحبان خرد و تجربه برای تبیین شاخص‌های قانون‌گذاری مطلوب در افق ایران 1404 است. تازمانی‌که شاخص‌ها مشخص نباشند، مانند آن است که در دریای طوفان‌زده بدون فانوس و قطب‌نما به مسیر خود ادامه می‌دهیم که نتیجه آن ایجاد بانک متورم قوانین در کشور خواهد بود»⁹⁰.

نتیجه‌گیری

بر مبنای پیشینه و مطالبی که تا کنون درباره تورم حقوق مرور کردیم، چه نتیجه‌ای می‌توان گرفت؟ مشخص کردن پدیده تورم حقوق، به‌خصوص تعیین ابعاد آن، کار دشواری به‌نظر می‌رسد. آماري که درباره منابع تورم حقوق منتشر شده و دربردارنده مقدار قانون‌گذاری رسمی (یعنی تصویب قانون به معنای دقیق کلمه) و قانون‌گذاری واگذار شده (آیین‌نامه‌ها و مصوبات اجرایی) است، نمی‌توانند مستقیماً و با شمارش صرف آنها مورد استناد قرار گیرند؛ زیرا گاهی آن منابع دربردارنده اسناد و مدارکی است که هیچ ارتباطی به مقررات به معنای هنجارهای الزام‌آوری که تنظیم‌کننده نظم و روابط اجتماعی است، ندارند. برای حصول به مفهومی سنجش‌پذیر، باید مشخص کرد که چه چیز قوانین موضوعه و منابع هنجاری الزام‌آور حقوق را از سایر هنجارهایی که بر روابط اجتماعی تأثیرگذارند، مجزا می‌کند. پس از این مرحله باید بر سر روش اندازه‌گیری آن به توافق رسید: شمارش تعداد مصوبات یا تعداد صفحات و یا تعداد حروف و کلمات؟ آیا چنین مقیاس‌هایی به‌درستی بیانگر میزان واقعی تورم حقوق در یک جامعه هستند؟

برای عنوان یافتن تورم حقوق، قواعد باید به گونه‌ای نامتناسب با نیازهای زندگی در آن جامعه تکثیر شوند. با این فرض، این پرسش مطرح می‌شود که شاخص مناسب برای تعیین نیازهای زندگی اجتماعی چیست؟ تعداد شهروندان جامعه که نمی‌تواند باشد، زیرا اختلافات احتمالی بین افراد که نیاز به حل و فصل قضایی دارد، به نسبت جمعیت رشد پیدا نمی‌کنند. به نظر می‌رسد که رشد مقدار «نیازهای حقوقی» با افزایش جمعیت، نسبت معکوس پیدا می‌کند و کاهش می‌یابد. بیشتر می‌توان به رابطه بین نیازهای حقوقی و پیشرفت‌های تکنولوژیک و مانند آن اشاره کرد که در اثر آن روابط اجتماعی تازه و راه‌های جدید فرصت‌طلبانه، مجال ظهور می‌یابند. منتها هنوز نمی‌توان به معیاری روشن دست یافت که به‌وسیله آن بتوان این پیشرفت‌ها را در یک فاکتور قابل اندازه‌گیری خلاصه کرد. فارغ از بحث سختی‌های موجود در سنجش

⁹⁰.ld

مسئله، با یک نگاه اجمالی به وضعیت کنونی جوامع معاصر می‌توان تصدیق کرد که حجم حقوق در اغلب کشورهای توسعه‌یافته در حال افزایشی نامتناسب و بی‌رویه است. هنوز اختلالات سیستمی که از این مسئله ناشی می‌شوند، به علت استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی در تمام مراحل وضع قانون، آماده‌سازی و اعمال آن، چندان ظاهر نشده‌اند. اتکا به چنین وسایلی خطر غفلت از کارکردها و وظایف اجتماعی حقوق را دربردارد و ممکن است به برداشتی صرفاً تکنیک‌گرا و پوزیتیویستی از حقوق منتهی شود.

عوامل متعددی می‌توانند در پیدایش تورم حقوق دخیل باشند که عبارت‌اند از: افزایش روزافزون ارزش زندگی انسان که قانون‌گذاران محتاط را به وضع مقررات حمایتی وامی‌دارد؛ گسترش تنوع عقاید و دیدگاه‌ها در شرایطی که حفظ چنین همزیستی مسالمت‌آمیزی فقط به‌وسیلهٔ هنجارهای اجتماعی کافی نیست و وضع قوانین حمایتی را لازم دارد؛ فعالیت‌های شدید لابی‌هایی که برای تأمین منافع خود متوسل به وضع قوانین می‌شوند و بدون چنین پشتوانهٔ قانونی، امکان دستیابی به امتیازات مورد نظر را در شرایط رقابت برابانه ندارند و درانتها حقوق‌دانان که یکی از انواع این گروه‌ها هستند، منافع خود را در افزایش مصوبات قانونی یا سایر منابع حقوق می‌بینند. دو عامل اخیر همپای هم پیش می‌روند تا زمانی که حقوق‌دانان هستند، لابی هست و بالعکس.

در مقالهٔ حاضر نتوانستیم سهم هرکدام از این عوامل را در واقعیت امر مشخص کنیم. اگر دو عامل اول را که برخاسته از تکامل جوامع بوده و تاحدی توجیه‌گر نیاز به قوانین بیشترند، مبنا قرار دهیم، آنگاه باید از خود پرسید که تا چه حد افزایشی را می‌توان مجاز دانست. برخلاف این دو، دو عامل آخر در مظان اتهام هستند و پدیدهٔ نامطلوبی تلقی می‌شوند، زیرا به آسانی کنترل‌شدنی نیستند و چنانچه دیدیم، منحصر به زمانهٔ ما هم نیستند. پرسش اینجاست که چگونه می‌توان آنها را مهارکرد؟ اتخاذ سیاست «یک (قانون) به جای یک (قانون)» می‌تواند سد نفوذ مناسبی بر سر راه این تورم باشد. در مقام نتیجه‌گیری می‌توان به این کلام کربونیه اشاره کرد: «در نهایت، اگر راه‌حل معقول درون هر یک از ما یافت بشود، آیا در هوشیاری بیشتر ما در به‌کارگیری (درست و بهجا) از حقوق نیست؟»⁹¹.

الف) منابع فارسی

1. پورسید، سید بهزاد، مروری بر چالش‌های نظام قانون‌گذاری ایران، الف (۱ اردیبهشت ۱۳۹۳)، (consulté le 22 décembre 2016), <<http://alef.ir/vdcgz9x3ak9x34.rpra.html?223606>> en ligne : ..
2. جلالی، کاظم، «تورم شدن قوانین باعث سردرگمی مراجع نظارتی می‌شود»، مرکز پژوهش‌های مجلس (29septembre 1395), <<http://rc.majlis.ir/fa/news/show/1002424>> (consulté le 22 décembre 2016) en ligne :
3. رنایی، محسن، «بازار یا نابازار؟ کدام یک در زمینگیری اقتصاد ایران مقصود»، ویژه نامه شرق 13-1389.12.
4. رئیسی، اسماعیل، «تورم قانون»، ماهنامه صدای مردم ۹۵/۰۱/۱۶، en ligne : <<https://sedayemardommag.blog.ir/1395/01/16/%D8%AA%D9%88%D8%B1%D9%85-%D9%82%D8%A7%D9%86%D9%88%D9%86>> (consulté le 22 décembre 2016).
4. سیدزاده، محمدحسن، «تورم قوانین، مانع توسعه صنایع»، *SMTnewspaper* - روزنامه صمت (1395), <<http://www.smtnews.ir/industry/22184-%D8%AA%D9%88%D8%B1%D9%85-%D9%82%D9%88%D8%A7%D9%86%DB%8C%D9%86%D8%8C-%D9%85%D8%A7%D9%86%D8%B9-%D8%AA%D9%88%D8%B3%D8%B9%D9%87-%D8%B5%D9%86%D8%A7%DB%8C%D8%B9.html>> (consulté le 22 décembre 2016).
5. کشاورز، بهمن، «علل تورم قوانین چیست؟»، تبیان (18 décembre 1392), en ligne : <<http://article.tebyan.net/273952/%D8%B9%D9%84%D9%84-%D8%AA%D9%88%D8%B1%D9%85-%D9%82%D9%88%D8%A7%D9%86%DB%8C%D9%86-%DA%86%DB%8C%D8%B3%D8%AA->>> (consulté le 22 décembre 2016).

6. مرکز مالیری، احمد و پارسا، محمد باقر، «اولویت قانونگذاری از طریق لایحه یا طرح؟ بررسی آماری نقش قوای مجریه و مقننه در ابتکار قانونگذاری»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، 19 march 1392..

7. مرکز مالیری، احمد و حاتمی زاده، سعید. عملکرد تقنینی مجلس نهم در حوزه اقتصاد (7 خرداد 1391 لغایت 6 خرداد 1395) 1. تصویر کلی، مرکز پژوهش‌ها، 4 october 1395..

8. مرکز مالیری، احمد و مهدی زاده، مهدی، «قانونگذاری پراکنده در نظام تقنینی ایران»، (2015) 47-16 پژوهش حقوق عمومی، صص 157-184.

(ب) منابع انگلیسی

9. Asatryan, Z., C. Castellón et T. Stratmann, *Balanced Budget Rules and Fiscal Outcomes: Evidence from Historical Constitutions*, SSRN Scholarly Paper, ID 2777148, Rochester, NY, Social Science Research Network, 2016, en ligne : <<https://papers.ssrn.com/abstract=2777148>> (consulté le 7 février 2017).

10. Blank, J. D. et L. Osofsky, *Simplexity: Plain Language and the Tax Law*, SSRN Scholarly Paper, ID 2759486, Rochester, NY, Social Science Research Network, 2016, en ligne : <<https://papers.ssrn.com/abstract=2759486>> (consulté le 7 février 2017).

11. Calabresi, G., *A common law for the age of statutes*, Cambridge, Mass., Harvard University Press, 1982, en ligne : <<http://public.eblib.com/choice/publicfullrecord.aspx?p=3300124>> (consulté le 7 février 2017).

12. Carbonier, J., *Essais sur les lois*, Paris, Répertoire du Notariat Defrénois, 1995.

13. Carbonnier, J., *Flexible droit: pour une sociologie du droit sans rigueur*, Paris, Librairie générale de droit et de jurisprudence, 1992.

———, *Droit et passion du droit: sous la Ve République*, Paris, Flammarion, 1996.

14. Cracknell, R. et R. Clements, « Acts and Statutory Instruments: Volume of UK legislation 1950 to 2014 », 2012, en ligne : <<http://researchbriefings.parliament.uk/ResearchBriefing/Summary/SN02911>> (consulté le 9 février 2017).

15. D'Avila de Oliveria, L., *Inflação normativa - Excesso e exceção*, 2009, en ligne : <This article looks at the phenomenon of norm inflation, with reference mostly to Canada, France, the UK and the USA, and with a

glance at the Iranian situation. The article demonstrates how economic analysis can be used to broach the matter.>.

16. Epstein, R. A., *Simple rules for a complex world*, Cambridge, MA, Harvard University Press, 1995, en ligne : <<http://public.eblib.com/choice/publicfullrecord.aspx?p=3300197>> (consulté le 7 février 2017).

17. Faria, J. E., *A inflação legislativa e a crise do estado no Brasil*, 1994, en ligne : <http://www.pucRio.br/sobrepuc/depto/direito/revista/online/rev05_faria.html ; http://www.fema.com.br/~direito/debora/antigos/sociologia/aula1910/infl_acaolegislativaeacrisedoestado.doc>.

18. Felsenfeld, C., « The Plain English Movement in the United States », (1981) », 6 *Can. Bus. Law J.* 408.

19. Fingerhut, M., « The Plain English Movement in Canada », (1981) 6 *Can. Bus. Law J.* 446-452.

20. Friedman, M. et R. D. Friedman, *Free to choose: a personal statement*, New York, Harcourt Brace Jovanovich, 1980.

21. Grass, É., « L'inflation législative a-t-elle un sens? », *Rev. Droit Public Sci. Polit. En Fr. Etranger* 2003.1.139-162.

22. Holl, A., « La règle du « un pour un » peut-elle freiner l'activité normative ? | La vie économique » (24 2015), en ligne : <<http://dievolkswirtschaft.ch/fr/2015/09/2015-10-holl-franz/>> (consulté le 7 février 2017).

23. Krueger, A. O., « The political economy of the rent-seeking society », (1974) 64-3 *Am. Econ. Rev.* 291-303.

24. Lansoy, D. et P. Sassier, *Ubu loi: essai*, Paris, Fayard, 2008.

L'information pour tous - Règles européennes pour une information facile à lire et à comprendre, Union Européenne, 2009.

25. Mackaay, E. et Y. Gendreau, *Legislation canadienne en propriété intellectuelle = Canadian legislation on intellectual property* / [edited by] Ysolde Gendreau, Ejan Mackaay., Scarborough, Carswell, 1995.

26. Mackaay, E. et S. Rousseau, *Analyse économique du droit*, Paris; [Montréal], Dalloz ; Éd. Thémis, 2008.

27. Mackaay, E., « LES NOTIONS FLOUES EN DROIT OU L'ÉCONOMIE DE L'IMPRÉCISION », *Langages* 1979.53.33-50.

28. Mathieu, B., *La loi*, 3^e éd., Paris, Dalloz, 2010.

29. Molfessis, N. et H. de Castries, *Sécurité juridique et initiative économique*: mai 2015, Paris, Mare & Martin, 2015.

30. Montaigne, *Essais Livre III*, Paris, Flammarion, 1588, en ligne : <<https://www.abebooks.fr/Essais-Livre-III-Montaigne-Flammarion/17128557097/bd>> (consulté le 7 février 2017).
31. Montesquieu, C.-L. et B. D. De Secondat, *De l'esprit des lois*, 2, Paris, Flammarion, 1748.
32. Olson, M., *The Rise and Decline of Nations: Economic Growth, Stagflation, and Social Rigidities*, Yale University Press, 1982.
33. Schweitzer, S. et L. Flourey, *Droit et économie, un essai d'histoire analytique*, Aix-en-Provence, Presses Universitaires d'Aix-Marseille, 2015.
34. Schuck, P. H., « Legal Complexity: Some Causes, Consequences, and Cures », (1992) 42-1 *Duke Law J.* 1-52, doi : 10.2307/1372753.
35. Šulmane, D., « "Legislative Inflation" - An analysis of the Phenomenon in Contemporary Legal Discourse », (2012) 4-2 *Balt. J. Law Polit.* 78-101, doi : 10.2478/v10076-011-0013-4.
36. *Tacite - Annales*, Livre III, Paris, Flammarion, 1965, en ligne : <<http://bcs.fltr.ucl.ac.be/TAC/AnnIII.html#27>> (consulté le 8 février 2017).
37. Vanneuville, R., « Les enjeux politico-juridiques des discours sur l'inflation normative », *Parlem. Rev. Hist. Polit.* 2009.11.80-91.
38. Zwiersykowski, P., « L'inflation législative - quelques repères méthodologiques sur l'exemple de la législation polonaise », (2005) 57-3 *Rev. Int. Droit Comparé* 735-765, doi : 10.3406/ridc.2005.19374.